

توماس هابز

# لویاتان

ویرایش و مقدمه از

سید علی مکرسون

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

ترجمه حسین بشیریه



نشرنی

سرشناسه: هابز، تامس، ۱۵۸۸ - ۱۶۷۹ م. Hobbes, Thomas ● عنوان و پدیدآور: لویاتان / توماس هابز؛ ویرایش و مقدمه از سی. بی. مکفرسون؛ ترجمه حسین بشیریه ● مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۳۸۰. ● مشخصات ظاهری: ۵۷۲ ص. ● شابک: چاپ دوم 2-557-312-964-978؛ چاپ ششم 8-557-312-964-978 ● وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا ● یادداشت: عنوان اصلی: Leviathan ● یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۸۱؛ چاپ چهارم: ۱۳۸۵؛ چاپ پنجم: ۱۳۸۷؛ چاپ ششم: ۱۳۸۹ (فیبا)؛ نوبت چاپ: چاپ هجدهم: ۱۴۰۲. ● موضوع: علوم سیاسی - متون قدیمی تا ۱۸۰۰ م.؛ دولت ● شناسه افزودن: مکفرسون، کرافورد براف، ۱۹۱۱ - ۱۹۸۷ م.، افزوده مقدمه‌نویس ● رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۰ ج ۹ ل ۵۲ / ۱۵۳ JC ● رده‌بندی دیویی: ۳۲۰/۱ ● شماره کتابشناسی ملی: ۷۹-۲۴۲۵۷

قیمت: ۵۵۰۰۰۰ تومان

www.ketab.ir



نشرنی

لویاتان

توماس هابز

ویرایش و مقدمه از سی. بی. مکفرسون

مترجم: دکتر حسین بشیریه

حروف‌نگار و صفحه‌آرا: اصغر قلی‌زاده

چاپ هجدهم: تهران، ۱۴۰۲، ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: باختر ● چاپ: غزال ● صحافی: علی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۱۲-۵۵۷-۸

نشانی: تهران، خیابان دکتر فاطمی، خیابان رهی معیری، تقاطع خیابان فکوری، شماره ۲۰

کد پستی: ۱۴۱۳۷۱۳۷۱، تلفن دفتر نشر: ۰۲۱۲۱۴۰۸۸، تلفن واحد فروش: ۰۹-۴۶۵۸۰۰۸۸، نمابر: ۸۹۷۸۲۴۶۴

www.nashreny.com ● email: info@nashreny.com ● nashreny

© تمامی حقوق این اثر برای نشرنی محفوظ است. هرگونه استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن، کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

## فهرست مطالب

۹	یادداشت مترجم
۱۵	مقدمه به قلم سی. بی. مکفرسون
۵۷	برخی منابع دربارهٔ هابز
۵۹	یادداشتی دربارهٔ متن کتاب لویاتان
۶۵	لویاتان به قلم توماس هابز
۶۷	نامهٔ تقدیمیه
۶۹	فهرست فصول
۷۱	مقدمه
۷۵	بخش اول. در باب انسان
۱۸۷	بخش دوم. در باب دولت
۳۲۷	بخش سوم. در باب دولت مسیحی
۴۹۳	بخش چهارم. در باب مملکت ظلمت
۵۶۳	مرور و نتیجه‌گیری

## یادداشت مترجم

مقدمه مفصل سی. بی. مکفرسون بر لویاتان و نیز ترجمه کتاب هابز اثر ریچارد تاک توسط نگارنده،<sup>۱</sup> نیاز به نگارش مقدمه‌ای دیگر بر احوال و آثار و اندیشه هابز را مرتفع می‌سازد. با این حال به نظر می‌رسد که بعد اقتصادی تحلیل مکفرسون در مقدمه‌اش بر لویاتان بر بعد سیاسی آن غلبه یافته و از این رو از حوزه علایق اصلی هابز قدری فاصله گرفته باشد. به گفته ریچارد تاک لویاتان بزرگ‌ترین و نخستین اثر فلسفه سیاسی به زبان انگلیسی است و اولین شرح جامع درباره دولت مدرن و ویژگی‌ها و کارکردهای آن است. به ویژه جدایی سیاست و دولت از کلیسا و مذهب به عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دولت مدرن یکی از محورهای اساسی تحلیل هابز در سراسر کتاب را تشکیل می‌دهد. بنابراین، موضوع اصلی بحث هابز در لویاتان دولت، قدرت و سیاست است. از همین رو در این یادداشت باید از همه کوشش عمده و بی‌سابقه هابز در تأسیس علم سیاست جدید اشاره کرد. ماهیت دولت و قدرت در پرتو همین علم جدید توضیح داده می‌شود. هابز با بهره‌برداری از تمثیل‌های ابزاروار و انداموار، دولت را همچون انسان مصنوعی قلمداد می‌کند؛ به سخن دیگر تمثیل دولت به عنوان انسان مصنوعی که آمیزه‌ای از تمثیل‌های مذکور است، مبنای علم سیاست جدید هابز به‌شمار می‌آید. لویاتان یا دولت به عنوان انسان مصنوعی ممکن است دچار انواع بیماری‌ها گردد و یکی از علایق اصلی هابز تشریح کالبد دولت و توضیح بیماری‌های آن است. بنابراین ترسیم چارچوب اساسی علم سیاست جدید یکی از دستاوردهای بزرگ لویاتان به‌شمار می‌آید. دستاورد دوم هابز در این کتاب، تحلیل او از ماهیت قدرت است که همچون پدیده‌ای سیال و فراگیر اساس کل زندگی اجتماعی را تشکیل می‌دهد و حوزه‌های مختلف زندگی همچون مالکیت اقتصادی، علم و دانش، اخلاق، قانون و حقوق و غیره همگی در پرتو آن شکل می‌گیرند و در حقیقت با آن هم ذات هستند. بنابراین در یادداشت حاضر همین دو نکته اساسی را قدری توضیح می‌دهیم.

هابز در مقدمه لویاتان پس از توضیح اینکه همه دستگاه‌های خودکار دارای نوعی حیات مصنوعی هستند می‌گوید:

«... آن لویاتان عظیمی که کشور یا دولت ... خوانده می‌شود به کمک فن و صنعت ساخته شده

است و صرفاً انسانی مصنوعی است، که از انسان طبیعی عظیم تر و نیرومندتر است و برای حراست و دفاع از او ایجاد گشته است و در آن حاکمیت همچون روحی مصنوعی است که به کل بدن زندگی و حرکت می بخشد؛ و در آن [بدن مصنوعی] قضا و حکام و دیگر کارگزاران قوه قضاییه و مجریه همچون مفاصل مصنوعی هستند؛ پاداش و کیفر... رگها و اعصابی هستند که همان وظیفه را در بدن طبیعی انجام می دهند؛ ثروت و مکنث همه اعضا [کشور] در حکم قوت آن اند؛ حفظ امنیت مردم... کارویژه اصلی آن است؛ مشاورین که مطالب مورد نیاز را به اطلاع می رسانند در حکم حافظه آن اند؛ عدالت و قوانین، عقل و اراده مصنوعی هستند؛ اجماع و توافق در حکم تندرستی؛ فتنه و شورش در حکم بیماری، و جنگ داخلی در حکم مرگ آن موجود است. سرانجام اینکه پیمانها و میثاقهایی که به موجب آنها نخست اجزای این پیکر سیاسی ساخته و سپس ترکیب و یکپارچه شده اند، همانند حکمی هستند که خداوند در روز خلقت اعلام کرد و فرمود: پس انسان را خلق می کنیم» (صفحه ۷۳ متن حاضر).

هابز این تمثیل اساسی را در سراسر کتاب خود برای توضیح دستگاه دولت به کار می برد. بر طبق این تمثیل «مجموعه ها» یا گروهها و سازمانهای اجتماعی در حکم اندامها و عضلات پیکره دولت هستند (ص ۲۲۷). وی در جای دیگری توضیح می دهد که از بین این گروهها و سازمانها، گروههای قانونی همچون عضلات طبیعی، و جوارهای غیرقانونی همانند غدهها و مواد صفراوی و عفونت زایی هستند که به واسطه جریان و ترکیب طبیعی انحلاط بد در بدن تولید می شوند (ص ۲۳۷)؛ و یا «همچون کرمهایی هستند که در رودههای انسان طبیعی یافت می شوند» (ص ۳۰۰). کارگزاران عمومی در حکم اعصاب و پیهایی هستند که اندامهای مختلف بدن طبیعی را به جنبش درمی آورند (ص ۲۳۸)؛ آنان که از جانب حاکم جواز و اختیار دارند تا احکام صادر شده را اجرا کنند و فرامین حاکم را انتشار دهند و شورشها را سرکوب نمایند، عملشان همچون اعمال و خدمات دست در بدن طبیعی است (ص ۲۴۱)؛ و پول به عنوان وسیله ای که به واسطه آن کالاها در درون کشور دست به دست می شوند و از این سو به آن سو می روند و هر بخشی را تغذیه و سیراب می کنند، در حکم خون پیکره سیاسی و گردش آن همانند خون رسانی به کشور است (ص ۲۴۶). پول از دو طریق یا مجرا انتقال می یابد: یکی مجرای انتقال به خزانه عمومی و دیگری مجرای خروج از آن خزانه برای پرداختهای عمومی؛ مجرای اول همچون رگهایی هستند که خون را از بخشهای مختلف بدن می گیرند و به قلب حمل می کنند و مجرای دوم همانند شرايينی هستند که خون را دوباره بیرون می فرستند تا به همه اعضا و جوارح بدن زندگی و حرکت ببخشند؛ (ص ۲۴۶) همچنین مشاورین دولت در حکم حافظه و خاطره پیکره سیاسی هستند (ص ۴۵۰). هابز در فصل بیست و نهم لویاتان در بحث از اسباب تضعیف و انحلال دولتها، نقطه ضعفهای آنها را با بیماریهای بدن طبیعی همانند می سازد؛ برخی از این نقطه ضعفها «ناشی از بنیاد و تأسیس ناقص و نارسای آن اند و همانند آن نوع از بیماریهای بدن طبیعی هستند که از زاد و ولد معیوب ناشی می شوند.» (ص ۲۹۲). دسته دوم امراضی هستند «که ناشی از زهر آیینها و عقاید

فتنه‌انگیزند و یکی از آنها این است که اشخاص خصوصی قاضی و داور اعمال نیک و بد باشند» (ص ۲۹۳)؛ وجود دو مرجع حاکمیت مدنی و روحانی در کشور واحد یکی از امراض عمدهٔ پیکرهٔ سیاسی است که هابز آن را با بیماری صرع یا حمله در بدن طبیعی مقایسه می‌کند زیرا این نوع بیماری را عموماً به معنی جن‌زدگی می‌گیرند و هابز در بخش نتیجه‌گیری لویاتان حکومت روحانیون مسیحی را به حکومت اجنه و ارواح تشبیه کرده است. هابز در توضیح این مرض می‌گوید «زیرا همچنانکه در این بیماری روحی غیر طبیعی، و یا بادی در سر راه می‌یابد و از فعالیت رشتهٔ اعصاب جلوگیری می‌کند... و بدین شیوه موجب بروز حرکات خشونت‌آمیز و نامنظم در آن قسمت‌ها می‌گردد... به همین سان در پیکرهٔ سیاسی [دولت] وقتی قدرت روحانی، اعضای دولت را از طریق ترس از مجازات و امید به پاداش... به شیوه‌ای متفاوت و مغایر با طریقه‌ای به حرکت درآورد که می‌بایست به واسطهٔ قدرت مدنی... به حرکت درآورده شوند،... در نتیجه لاجرم مردم را دچار اغتشاش و آشفتگی می‌سازد و یا دولت و کشور را به جور و ظلم تسخیر می‌کند و یا اینکه آن را به درون آتش جنگ داخلی فرو می‌افکند.» (ص ۲۹۸)

مرض دیگر ناشی از وجود چندین مرجع حاکمیت برابر یا معارض در کشور واحد است: «مثل وقتی که قدرت وضع و اخذ مالیات (که در حکم قوهٔ مغذیه است) در اختیار مجمع عمومی باشد؛ و قدرت هدایت و فرماندهی (که در حکم قوهٔ محرکه است) در دست شخص [حاکم] واحدی باشد؛ و قدرت قانونگذاری (که معادل قوهٔ عقابیه است) متکی بر توافق اتفاقی آن دو و حتی طرف ثالثی هم باشد.» (ص ۲۹۸). به نظر هابز «چنین حکومتی اصلاً حکومت نیست بلکه تجزیهٔ دولت به سه دسته و جناح است و برخی هم آن را پادشاهی مرکب می‌خوانند» و در ادامه می‌گوید: «نمی‌دانم که این نوع بی‌سامانی در دولت را دقیقاً به چه مرضی در بدن طبیعی تشبیه کنم. اما کسی را دیده‌ام که از پهلویش کس دیگری با سر و دست‌ها و سینه و شکم خاص خودش بیرون زده و در حال رشد بود؛ اگر کس دیگری هم از پهلوی دیگری بیرون می‌آمد، در آن صورت تشبیه مورد نظر دقیق و کامل می‌شد.» (ص ۲۹۹).

هابز همچنین دشواری در گردآوری پول برای مصارف ضروری دولت به‌ویژه در راه جنگ را به واسطهٔ خست مردم به مالاریا در بدن طبیعی تشبیه می‌کند. (ص ۲۹۹) «گاه نیز دولت دچار مرضی می‌شود که به بیماری ذات‌الجنب شباهت دارد و آن وقتی است که خزانهٔ دولت از مسیر جریان طبیعی خود خارج می‌شود و در دست یکی یا شمار اندکی از افراد... از طریق انحصارات و یا از طریق گردآوری عواید عمومی متراکم می‌گردد؛ به همان سان که خون در بیماری ذات‌الجنب به درون غشای پستان‌ها وارد می‌شود و در آنجا آماسی ایجاد می‌کند که با تب و سوزش‌های دردناک همراه است.» (ص ۳۰۰)

به‌طور کلی تمثیلی که علم سیاست جدید هابز بر آن استوار است تمثیل بسیار نیرومندی است و حتی می‌توان گفت که نظریه‌های سیستمی و سببرنتیکی جدید در علم سیاست در حقیقت ادامهٔ

همان تمثیل اساسی هابز هستند و بر پایه همان استدلال استوارند.<sup>۱</sup> در خصوص نکته اصلی دوم یعنی تحلیل قدرت به عنوان پدیده‌ای سیال و فراگیر که اساس زندگی اجتماعی را تشکیل می‌دهد نیز اشارات بسیاری در سراسر لویاتان پراکنده است. هابز در مقام پاسخ‌گویی به ایراد احتمالی منتقدین به اصول عقلانی سیاستی که مورد نظر اوست، مبنی بر اینکه مردم عادی توانایی و صلاحیت کافی برای فهم آنها را ندارند می‌گوید: «اذهان مردم عادی اگر به خاطر وابستگی به اصحاب قدرت مشوب نگشته و یا آرا و عقاید علما آنها را خط خطی نکرده باشد، همچون کاغذ سفیدی است که برای دریافت هر آنچه قدرت عمومی بر آن نقش بریندد، آمادگی دارد. آیا ملت‌ها را به پذیرش سکوت‌آمیز رموز بزرگ مذهب مسیح که ماورای عقل‌اند، نکشاندانند.»

همچنین در خصوص رابطه حق، قانون و دولت می‌گوید: «قوانین، قواعدی برای تشخیص حق و ناحق‌اند؛ هر چیز که ناحق شناخته شود، مغایر با برخی قوانین است و به همین سان آشکار است که هیچکس جز دولت نمی‌تواند قانون بگذارد، زیرا ما تنها نسبت به دولت مطیع و فرمانبرداریم... و بنابراین هر آنچه به حکم استنتاج ضروری از این تعریف منطقی برآید، می‌باید به عنوان حقیقت پذیرفته شود.» (ص ۲۵۴) بدین‌ها میان قدرت دولتی و حق و حقیقت رابطه‌ای عمیق می‌یابد.

همچنین در بحثی درباره مالکیت می‌گوید: «توزیع مواد و منابع تغذیه موجب پیدایش مال من و مال تو و مال او، یعنی در یک کلام مالکیت می‌شود؛ و مالکیت در همه دولت‌ها متکی به قدرت حاکمه است. زیرا وقتی دولتی نباشد... جنگ هر کس بر ضد همه است. همواره جریان خواهد داشت و بنابراین هر کس مالک هر چیزی خواهد بود که بتواند آن را به زور به چنگ آورد و نگه دارد... بنابراین پیدایش مالکیت نتیجه دولت است.» (ص ۲۴۳)

همچنین در جای دیگری می‌گوید: «پیش از آنکه مفاهیم عدالت و بی‌عدالتی بتواند معنایی داشته باشد، می‌باید قدرت اجبارگری در کار باشد تا همه آدمیان را به یک میزان به واسطه ترس از کیفری که عظیم‌تر از فایده مورد انتظار از نقض عهد باشد، به ایفای بیان‌های خود وادار سازد... در جایی که دولتی در کار نباشد، هیچ چیز در آنجا ناعادلانه نیست.» (ص ۱۷۱) همچنین در خصوص تأثیر قدرت دولتی بر شکل‌گیری شأن و منزلت اجتماعی می‌گوید: «... تفاوت در قدر و ارزش کسان نتیجه هوش و ثروت یا تبار و نسب و یا کیفیت طبیعی دیگری [نیست بلکه] وابسته به اراده کسانی است که قدرت حاکمه را در دست دارند.» (ص ۲۷۵) همچنین در جای دیگری می‌گوید: «واضعان قوانین مدنی نه تنها اعلام‌کنندگان بلکه خود، سازندگان و تعیین‌کنندگان عادلانه و یا ناعادلانه بودن اعمال‌اند؛ زیرا هیچ چیز در اعمال آدمیان ذاتاً نهفته نیست که آنها را برحق یا برخطا

David Easton, *A Systems Analysis of Political Life*, Wiley, New York, 1965.

Karl Deutsch, *The Nerves of Government*. Free Press, New York, 1963.

۱. به‌ویژه ر.ک.

بسازد.» بدین سان در تحلیل عمیق هابز از قدرت سیاسی حوزه‌های گوناگون زندگی از جمله مالکیت اقتصادی، مفاهیم اخلاقی، قانون، حقوق و معرفت در پرتو قدرت عمومی شکل می‌گیرند.

\*\*\*

سعی مترجم در ترجمه این اثر کلاسیک که اینک حدود ۳۵۰ سال از تاریخ تحریر آن می‌گذرد بر آن بوده است که لحن و شیوه نگارش نویسنده در ترجمه فارسی در حد امکان انعکاس داده شود و جملات طولانی کتاب که اغلب حاوی عبارات متعدد و معترضه هستند، بدون آنکه بریده شوند، به همان شکل به فارسی ترجمه شوند. به منظور تحصیل اطمینان از صحت ترجمه آیات کتب مقدس، آیات ترجمه شده با ترجمه تورات از اصل زبان عبری به زبان فارسی تحت عنوان کتاب المقدس: عهد عتیق ترجمه ولیم گلن (لندن، ۱۸۵۶)، و با ترجمه انجیل از اصل زبان یونانی به زبان فارسی تحت عنوان کتاب المقدس: عهد جدید ترجمه هنری مرتن (لندن، ۱۸۵۶) (که هر دو در مجلد واحدی انتشار یافته‌اند) تطبیق داده شده و در برخی موارد از ترجمه‌های مذکور استفاده شده است. همه مطالبی که در داخل قلاب [ ] به متن اضافه شده است و نیز همه پانوشته‌هایی که به حرف م ختم می‌شوند، به منظور تسهیل فهم متن از جانب مترجم افزوده شده‌اند.

حسین بشیریه

دی‌ماه ۱۳۷۹

www.ketab.ir